

The conflict between stakeholders in Ardabil and Germi counties, Ardabil Province, Iran

Ebadollah Rezaei¹, Mohsen Maleki^{2*} , Masumeh Sadat Hosseini Nasab³

¹Graduated M.Sc. Student, Department of Natural Resources, Khalkhal Branch, Islamic Azad University, Khalkhal, Iran

²Assistant Professor, Department of Natural Resources, Khalkhal Branch, Islamic Azad University, Khalkhal, Iran

³Ph.D., Department of Natural Resources, Khalkhal Branch, Islamic Azad University, Khalkhal, Iran

Abstract

Introduction

What has been identified as the relationship between natural resources and conflict? In what ways are natural resources used to trigger conflict and instability? Who are the main players and actors in resource conflicts? To address these questions, this article critically reviews the main theoretical and empirical works on natural resources conflict. This area was studied as the target population due to the rich forest and rangelands resources and considering the existing conflicts in the Ardabil province. The conflict of interest between exploiters and natural resource experts is one of the problems that may have remained from the period of nationalization of forests and rangeland (1962) and has become more critical gradually. In this regard, the inapplicability of the laws, the numerous transfers that have taken place over the years, and the lack of transparency of the border between national lands and exceptions, have led to many problems. This study seeks to investigate the reasons and causes of the conflict between the key natural resources key stakeholders including beneficiaries people who use the rangelands or forest and the local authority or national actors (government) over natural resources in the study area.

Materials and Methods

legal, managerial, exploitation, and social components were examined from the perspectives of both experts and stakeholders. A number of 205 questionnaires were completed by the officials of natural resources of Ardabil and Germi cities and its stakeholders with the Snowball Method. The validity of the main variables was more than 0.7, which is an acceptable number. Divergent validity index, among all features, was less than 0.9, which indicated that there is no dependence between the variables of each feature. Since the scale of measuring the views of experts and stakeholders is the rating, the non-parametric Mann-Whitney U-test was used to compare the views of two groups on the causes of conflict in natural resources.

Results and Discussion

The results showed that the natural resources conflict in the whole region, there isn't a significant difference between the factors affecting the conflict between the local community and government experts in terms of perspective. The most important components for increasing the conflict in this region from the perspective of beneficiaries are lack of expertise of the resolution council, lack of government support for ranches, financial poverty, conflict with rangeland encroachers, low level of awareness of stakeholders, and according to the experts, lack of government support for ranches, lack of law, lack of rangeland cooperative, insufficient water in rangeland, financial poverty, lack of cooperation among the people and migration. Land grabbing, coaling, wood smuggling, and understory tillage aren't the most challenging issues. From the managerial point of view, both groups have declared that the most effective way to reduce the conflict is the confinement of forests and pastures, but the participatory management issues were not acceptable according to the two groups' viewpoints. Effective presence of experts in the field, recognizing the livelihood potentials of the region and encouraging and educating people to know alternative jobs are suitable ways to reduce the conflicts.

Conclusion

It seems that the plans of stopping the exploitation of natural resources are more accepted in this region. Participatory management is one of the solutions to reduce the conflict which necessity of its implementation was not acceptable according to the two groups' viewpoints.

Keywords: Conflict, Exploitation, Governance, Natural resources, Social factors

Article Type: Research Article

*Corresponding Author, E-mail: Emailmaleki@gmail.com

Citation: Rezaei, E., Maleki, M., & Hosseini Nasab, M.S. (2021). The conflict between stakeholders in Ardabil and Germi counties, Ardabil Province, Iran. *Water and Soil Management and Modeling*, 1(3), 1-14.

DOI: 10.22098/MMWS.2021.9159.1025

DOR: 20.1001.1.27832546.1400.1.3.1.3

Received: 05 July 2021, Accepted: 01 August 2021

Water and Soil Management and Modeling, Year 2021, Vol. 1, No. 3, pp. 1-14

Publisher: University of Mohaghegh Ardabili

© Author(s)





تعارض بین گروداران کلیدی منابع طبیعی در شهرستان‌های اردبیل و گرمی (استان اردبیل)

عبدالله رضایی^۱، محسن ملکی^{۲*}، معصومه سادات حسینی‌نسب^۳

^۱ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، گروه منابع طبیعی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران

^۲ استادیار، گروه منابع طبیعی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران

^۳ دکتری، گروه منابع طبیعی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران

چکیده

نقش مراتع و جنگل‌ها، در شیوه زندگی مردم وابسته به طبیعت، بسیار مهم و مؤثر است. با توجه به کمبود منابع و تنوع مصرف‌کنندگان، تعامل بین بهره‌برداران منابع طبیعی و متولیان آن، در موارد زیادی به تعارض منجر می‌شود. شناخت عوامل مؤثر در تضاد بین گروداران کلیدی، از ارکان مدیریت منابع طبیعی است. با توجه به منابع غنی جنگلی و مرتعی در استان اردبیل و تعارض‌های موجود، این منطقه به‌عنوان هدف، انتخاب شد. سپس مؤلفه‌های حقوقی، مدیریتی، بهره‌برداری و اجتماعی از منظر بهره‌برداران و کارشناسان بررسی و ۲۰۵ پرسشنامه به‌روش گلوله‌برفی تکمیل شد. روایی متغیرهای اصلی پژوهش بیش‌تر از ۰/۷ به‌دست آمد. برای مقایسه دیدگاه دو گروه از آزمون ناپارامتری یومن-ویتنی استفاده شد. نتایج نشان داد که در کل منطقه تضاد منابع طبیعی وجود دارد، اما از نظر اختلاف دیدگاه، تفاوت بین بهره‌برداران و کارشناسان دولتی در خصوص عوامل مؤثر در تضاد معنادار نیست. مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر در افزایش تضاد در این منطقه از دیدگاه بهره‌برداران، تخصصی نبودن شورای حل اختلاف، کمبود حمایت دولت از دامدار، فقر مالی، نزاع با متجاوزین به حدود مراتع و سطح آگاهی مردم بود. از نظر کارشناسان، کمبود حمایت دولت از دامدار، نقص قوانین، عدم وجود تعاونی مرتع‌داری، ناکافی بودن آب در مراتع، کاهش همیاری در بین مردم و مهاجرت معرفی شد. زمین‌خواری، قاچاق چوب و شخم زیراشکوب، توسط هر دو گروه، به‌عنوان عامل مؤثر قوی در تضاد معرفی نشد. از نظر مدیریتی نیز مؤثرترین روش کاهش تضاد توسط هر دو گروه، قرق جنگل‌ها و مراتع بود، ولی لزوم مدیریت مشارکتی از نظر هر دو گروه، اولویت نداشت. در مجموع، حضور مؤثرتر کارشناسان منابع طبیعی در عرصه، شناخت پتانسیل‌های معیشتی منطقه، تشویق و آموزش مردم به شناختن مشاغل جایگزین راه‌کار مناسبی در کاهش تضاد است.

واژه‌های کلیدی: بهره‌برداری، تعارض، حکمرانی، عوامل اجتماعی، منابع طبیعی.

نوع مقاله: پژوهشی

*مسئول مکاتبات، پست الکترونیکی: Emailmaleki@gmail.com

استناد: رضایی، ع.، ملکی، م.، و حسینی‌نسب، م.س. (۱۴۰۰). تعارض بین گروداران کلیدی منابع طبیعی در شهرستان‌های اردبیل و گرمی (استان اردبیل). *مدل سازی و مدیریت آب و خاک*، ۱(۳)، ۱-۱۴.

DOI: 10.22098/MMWS.2021.9159.1025

DOR: 20.1001.1.27832546.1400.1.3.1.3

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۰

مدل سازی و مدیریت آب و خاک، سال ۱۴۰۰، دوره ۱، شماره ۳، صفحه ۱ تا ۱۴

© نویسنده‌گان

ناشر: دانشگاه محقق اردبیلی



۱- مقدمه

عرضه مراتع به‌عنوان یکی از منابع چندگانه و از مهم‌ترین منابع اقتصادی به‌شمار می‌رود که تأمین معیشت جمعیت قابل توجهی از کشاورزان و دامداران به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به آن وابسته است (Mazaheri and Khaksar Astaneh, 2009). رشد اقتصادی و جمعیتی، همراه با تخریب بوم‌سازگان، منجر به شرایطی می‌شود که رقابت بر سر منابع افزایش یابد، چنین شرایطی می‌تواند به‌راحتی پتانسیل درگیری را تشدید کند، به‌ویژه در مواردی که سایر عوامل تعارض^۱ (به‌عنوان مثال مسائل قومیتی، سیاسی یا نابرابری اجتماعی) نیز وجود داشته باشد (Bond, 2014). دست‌اندازی به منابع طبیعی، یا بر اثر فراوانی منابع یا کمبود منابع است. فراوانی منابع فرصت‌هایی برای چپاول، افزایش فساد، و رشد کند اقتصادی را فراهم می‌آورد. از سوی دیگر، کمبود منابع طبیعی هم سبب بیکاری، بحران غذا، بدتر شدن معیشت و مهاجرت می‌شود. هر دو این عوامل در نهایت بحران سیاسی، عدم ثبات اقتصادی و فروپاشی اجتماعی را منجر می‌شوند (Vesco et al., 2020). به‌طور کلی تضاد بین کنش‌گران اجتماعی عامل کاهش سرمایه‌های اجتماعی و مشارکت جوامع محلی در طرح‌های منابع طبیعی است. در حقیقت ریشه این تضاد ناشی از آن است که روستائیان منطقه به‌دلیل کمبود شغل وابستگی بسیار زیادی به منابع طبیعی در جهت تأمین معیشت خانوار خود دارند و به‌دلیل محدودیت منابع طبیعی و حفاظت از آن‌ها توسط کنش‌گران حفاظت‌گرا تضاد ایجاد می‌شود. در همین زمینه برنامه‌هایی در جهت ایجاد اشتغال و تنوع‌سازی معیشت می‌تواند از جمله راه‌کارهای کاهش تضاد به‌شمار رود (Afshari nia and Vali, 2021; Ghasemi and Karamidehkordi, 2017).

لازمه حکمروایی خوب و مدیریت مشارکتی-تطبیقی در هر موضوعی شناخت افراد و نهادهای مرتبط است (Kolahi, 2021). برای شناخت علت تعارض در منابع طبیعی، ابتدا لازم است که گروه‌داران کلیدی^۲ منابع طبیعی شناخته شوند (Kolahi, 2021). پس از آن تضاد و تعارض‌ها در حوزه منابع طبیعی، از این دیدگاه که منابع طبیعی به چه شکلی منجر به درگیری و بی‌ثباتی می‌شود، پیگیری شود و در انتها راه‌کاری که بتواند مدیریت منابع طبیعی را با حداقل تضاد پیش ببرد، شناخته شود. منظور از تضاد در بهره‌برداری از منابع طبیعی، رفتار ناسازگاری است که ذی‌نفعان از خود بروز می‌دهند (Yousefi et al., 2016) چنان‌چه این تضادها مدیریت نشود، رفتارهای ناگواری را به‌دنبال خواهد داشت. در طول سال‌های پس از ملی شدن جنگل‌ها و مراتع،

تضادهای زیادی برای بهره‌برداران عرصه‌های مرتعی و جنگلی ایجاد شده است، هر چند ممکن است این تعارض‌ها در عرصه‌های منابع ملی، همانند تضاد بر سر آب نباشد و به خشونت کشیده نشود، ولی آسیبی که بر محیط زیست وارد می‌آورد، جبران‌ناپذیر است (Tatar et al., 2018).

فقر جامعه محلی و وابستگی شدید این گروه به طبیعت، ناخودآگاه باعث بهره‌برداری مفرط و تخریب این منابع می‌شود. این در حالی است که واگذاری‌های کلان منابع طبیعی و ملی دولت به دیگر بخش‌های دولتی و خصوصی نیز از علت‌های تخریب منابع و در عین حال افزایش منازعات بین مردم و دولت است. از دیگر مواردی که به بروز تضاد در منابع طبیعی منجر می‌شود، قوانین رسمی در مورد مدیریت منابع طبیعی است که با حقوق و مقررات سنتی بهره‌برداران مطابقت ندارد. بنابراین، باعث درگیری بین مردم و کاربران محلی می‌شود. شیوه مدیریت از بالا به پایین سازمان‌های ذیربط و حذف سامانه‌های بوم‌شناختی-اجتماعی- محلی نیز منجر به بروز شرایط درگیری می‌شود (Hubert, 2021). مسأله مهم دیگر در ایجاد تضاد در منابع طبیعی، مسأله تصاحب زمین ملی است که ممکن است منجر به درگیری‌هایی شوند (Vesco et al., 2020). در طول سال‌های پس از ۱۳۶۰، ملی اعلام شدن اراضی کشاورزی در بیش‌تر مناطق ایران یکی از مهم‌ترین جنبه‌های ایجاد تضاد بین کشاورزان و کنش‌گران منابع طبیعی بوده است (Ghasemi and Karamidehkordi, 2017).

شناخت تضادها و به‌دنبال آن مدیریت آن‌ها یکی از مهم‌ترین مسائل در مدیریت جامع منابع طبیعی به‌شمار می‌رود و برای عاملین ارتباطی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا شناخت ریشه‌های اختلاف و برقراری توافق در بین بهره‌برداران، اثر به‌سزایی در موفقیت پذیرش نوآوری‌ها و به‌طور متقابل در عملکرد مروجین دارد (Ghasemi and Karamidehkordi, 2017). علاوه بر این، (Ansari et al., 2009) در پژوهش خود در ۱۱ استان کشور، تضاد بین استفاده‌کنندگان از مراتع را یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تخریب منابع طبیعی معرفی می‌کنند. نتایج حاکی از آن است که عواملی چون کمبود نیرو و امکانات برای کنترل عرصه‌ها، کم‌توجهی و انگیزه پایین کارشناسان، عدم وجود قوانین قاطع از عوامل قانونی و تشکیلاتی مؤثر در تخریب منابع طبیعی است. مواردی دیگر چون عدم وضوح قوانین موجود، عدم برخورد قاطع دادگستری‌ها با متخلفان، پایین بودن میزان جریمه و به‌طور کلی نقص قوانین و کمبود قوانین از دیگر عوامل مؤثر در تخریب منابع طبیعی است.

(Yousefi et al., 2016) در مطالعه‌ای به ارزیابی شیوه‌های

حل تعارض رودخانه زاینده‌رود از دیدگاه کشاورزان و مسئولان

¹ Conflict

² Stakeholder

شد که یک سری از تضادها بین دامداران و ادارات منابع طبیعی وجود دارد که ناشی از ناآگاهی مردم و چه بسا به دلیل عدم تمایل، آگاهی به واسطه ضرر و زیان اقتصادی، و در نهایت کم‌کاری ادارات در بحث ترویج، اطلاع‌رسانی، خدمات‌دهی و عدم مشارکت است. در ادامه، (Jannatichenar et al. 2020) تعارضات اجتماعی- مدیریتی مراتع شهرستان کلات نادر را بررسی کرده و نتیجه گرفتند که ۵۲ درصد پاسخگویان، نگرش مثبت به منابع طبیعی دارند ولی ۳۶ درصد با اداره منابع طبیعی، ۴۱ درصد با سایر نهادها و ۴۳ درصد با سایر مرتع‌داران در تعارض هستند که ۶۷ درصد پاسخگویان، مشارکت با سایر مرتع‌داران را راه‌کار حل تعارض دانسته‌اند. اخیراً، (Mondher et al. 2021) وضعیت تضاد در مراتع جنوب تونس را که تحت اقدامات حفاظتی بودند نیز مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های ایشان تنوع گسترده‌ای از اثرات، وابستگی‌ها و تضادها را در روابط ذی‌نفعان در دو نوع مدیریت مشاعی و خصوصی نشان داد. روند احیای مراتع خصوصی ثبات و انعطاف بیشتری داشت در حالی‌که در مراتع مشاعی تعارض منافع و اهداف متضاد، همکاری ذی‌نفعان را دچار اختلال کرده بود.

به‌طور کلی با بررسی و جمع‌بندی پژوهش‌های پیشین می‌توان گفت وجود تعارض بین بهره‌برداران و دولت و نیز بین بهره‌داران با سایر بهره‌برداران در بسیاری از مطالعات مورد تایید قرار گرفته که نتیجه آن تضعیف معیشت خانوارهای روستایی، مهاجرت خانوارها از روستاها، کاهش سرمایه‌های اجتماعی و حنبه انسانی و کاهش سرمایه‌های طبیعی و تخریب جنگل‌ها و مراتع از جنبه بوم‌شناختی است. واقعیت این است که روستاییان و دامداران به دلیل شیوه زندگی و نوع معیشت خود، بهره‌برداران اصلی و مستقیم منابع طبیعی محسوب می‌شوند و علی‌رغم داشتن تنها ۲۸ درصد جمعیت کشور، حدود ۹۰ درصد از عرصه‌های طبیعی کشور را در اختیار دارند (Alibeygi, 2018). شیوه بهره‌برداری بی‌رویه، مشکلات حقوقی و اجرایی، نگاه از بالا به پایین مدیریت سبب شده است که این گروه، چالش‌هایی را با سازمان‌های ذیربط داشته باشند. مسأله اینجاست که در تنازعات بر سر منابع طبیعی، بین مردم و دولت همیشه هم حق با دولت نیست و گاهی این حقوق مردم است که پایمال می‌شود. به دلیل وابستگی شدید معیشتی مردم به منابع طبیعی، مردم در برابر وقوع جرم سه راه‌حل دارند: (۱) به قوانینی که از سوی کارشناسان منابع طبیعی وضع می‌شود عمل کنند. (۲) به سازمان‌های ذیربط مراجعه و شکایت کنند. (۳) قوانین وضع شده از سوی دولت را نادیده بگیرند (Ghasemi and Karamidehkordi, 2017). تضاد منافع بین بهره‌بردار و کارشناسان منابع طبیعی از جمله مشکلاتی است که شاید از دوره ملی شدن جنگل‌ها و مراتع باقی

پرداختند. نتایج آن‌ها نشان داد که مهم‌ترین عوامل به‌وجود آورنده تعارض رودخانه از نظر جامعه آماری پژوهش به ترتیب، کاهش بارش، افزایش استفاده آب در صنعت، و افزایش مصارف سایر استان‌هاست. هم‌چنین، ایجاد شرایط بازگو کردن نظرات به‌صورت آزادانه، پادرمیانی و مذاکره مؤثرترین راه‌حل‌های تعارض از نظر جامعه آماری است. از سوی دیگر نتایج آن‌ها نشان داد که در شرایط فعلی کشاورزان (بهره‌برداران) توسل به زور و مسئولان، مذاکره را مناسب‌ترین راه‌حل تعارض می‌دانند. هم‌چنین، (Ghasemi and Karamidehkordi 2017) در تحلیل شبکه تضاد ذی‌نفعان در حفاظت و بهره‌برداری از منابع طبیعی در استان چهارمحال و بختیاری نشان دادند که وجود منافع مختلف بین کنش‌گران باعث ایجاد تضاد در سطوح متفاوت بین آن‌ها می‌شود. هم‌چنین تضاد بین کنش‌گران باعث تضعیف معیشت خانوارهای روستایی، مهاجرت خانوارها از روستاها و کاهش سرمایه‌های اجتماعی می‌شود. با وجود پیامدهای منفی، تضاد در برخی موارد نتایج مثبت از قبیل بهبود وضعیت پوشش گیاهی را به دنبال دارد. (Kronenburg García 2017) به بررسی درگیری‌هایی که بر سر منابع جنگلی کنیا رخ می‌دهد، پرداخت. طبق نتایج به دست آمده، هنگامی که یک یا چند درگیری بر سر منابع طبیعی رخ می‌دهد، تحلیل دقیق نیاز است؛ زیرا ممکن است تفسیر دقیق هر یک از تعارض‌ها، هنگامی که به‌تنهایی مورد بررسی قرار می‌گیرد، مسأله را به چالش بکشد. این پژوهش در مورد بوم‌شناسی سیاسی منازعات منابع طبیعی بینش دیگری را ارائه می‌دهد. برای درک ماهیت تکراری درگیری‌های جنگلی، نیاز است که یک لایه تا حدی پنهان درگیری‌های سیاسی موجود، روشن شود. هم‌چنین (Ghasemi et al. 2018) به تحلیل تضاد کنش‌گران اجتماعی^۱ در عرصه‌های منابع طبیعی و اثرات آن بر جامعه روستایی پرداختند. نتایج نشان داد که وجود منافع مختلف بین کنش‌گران باعث ایجاد تضاد در سطوح متفاوت بین آن‌ها می‌شود. هم‌چنین، تضاد بین کنش‌گران باعث تضعیف معیشت خانوارهای روستایی، مهاجرت خانوارها از روستاها و کاهش سرمایه‌های اجتماعی^۲ می‌شود. با وجود پیامدهای منفی، تضاد در برخی موارد نتایج مثبت بر جای گذاشته است؛ برای مثال، اقدامات کارشناسان منابع طبیعی در حفاظت از منابع طبیعی و جلوگیری از بهره‌برداری‌های بی‌رویه، با وجود تضاد، باعث بهبود پوشش گیاهی در بعضی مناطق شده است.

(Jannatichenar and Kolahi 2018) به بررسی تضادهای

بین دامدار و اداره منابع طبیعی پرداختند. در این پژوهش مشخص

¹ Social Actors

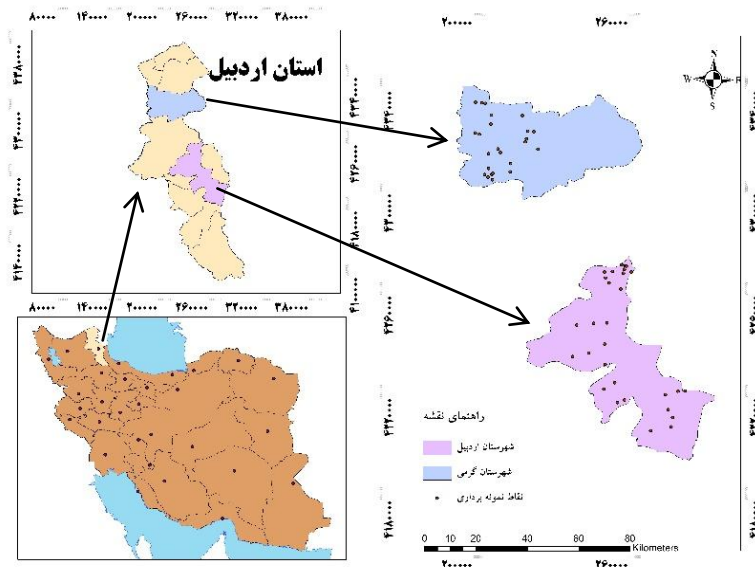
² Social Capita

۲- مواد و روش‌ها

۲-۱- منطقه مورد مطالعه

پژوهش حاضر در تعدادی از روستاهای واقع در شهرستان‌های اردبیل و گرمی استان اردبیل انجام شد. روستاهای محل پژوهش با معرفی اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان و شهرستان‌های اردبیل و گرمی انتخاب شدند. تعداد روستاهای مورد بررسی در محدوده شهرستان اردبیل ۲۲ و روستاهای واقع در محدوده شهرستان گرمی ۱۸ روستا بودند. شغل تمامی مراجعه‌شوندگان کشاورزی و دامپروری بود و نیز به‌عنوان بهره‌بردار از منابع طبیعی نیز شناسایی شدند. موقعیت منطقه مورد مطالعه در شکل ۱ نمایش داده شده است.

مانده و هر روز پررنگ‌تر شده است. کاربردی نبودن قوانین در این موضوع، واگذاری‌های متعددی که طی سال‌های مختلف صورت گرفته است و شفاف نبودن مرز بین اراضی ملی و مستثنیات، منجر به بروز مشکلات زیادی شده است. این پژوهش درصدد بررسی ریشه و علت تضاد بین مردم و دولت بر سر منابع طبیعی در شهرستان‌های اردبیل و گرمی در استان اردبیل است. تاکنون پژوهشی که به‌صورت گسترده بر علل بروز این تضاد بپردازد، انجام نشده است. در این راستا به بررسی عوامل حکمرانی، حقوقی و قانون‌گذاری، اجرایی، اجتماعی و بهره‌برداری و اثر آن بر ایجاد تضاد در منطقه پرداخته می‌شود.



شکل ۱- موقعیت منطقه پژوهش در ایران و استان اردبیل
Figure 1. Location of study area in Ardabil Province, Iran

معرفی خبرگان محلی شناسایی و مورد مصاحبه قرار گرفتند. جمع‌آوری داده‌های میدانی با استفاده از پرسشنامه انجام شد که بر اساس اهداف پژوهش توسط تیم پژوهش طراحی و ساخته شد. سوالات پرسشنامه در هفت بخش شامل عوامل اجتماعی، عوامل مدیریتی، عوامل حقوقی، رقابت بر سر منابع، روش‌های ناسازگار، عوامل مؤثر در تخریب و ایهامات در حدود اختیارات، به‌شرح شکل ۲ طراحی شد (Yousefi et al., 2016). تعداد نمونه بر اساس فرمول کوکران محاسبه شد؛ به این معنی که از بین ۲۷۱ بهره‌بردار مطلع و خبیره معرفی شده از سوی اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان اردبیل ۱۶۰ نفر و از بین ۵۰ نفر کارشناسان مطلع و مرتبط بخش منابع طبیعی استان و شهرستان‌ها ۴۵ نفر برای مصاحبه انتخاب شدند.

سوالات این پژوهش بر مبنای طیف لیکرت طراحی شد که پاسخ‌های آن از خیلی کم (۱) تا خیلی زیاد (۵) طبقه‌بندی شدند. روایی محتوایی پرسشنامه با استفاده از نظرات پنج نفر از اساتید دانشگاه در

۲-۲- روش پژوهش

این پژوهش از نظر ماهیت از نوع پژوهش‌های کمی است و روش پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی به‌شمار می‌رود. جامعه آماری در این مطالعه، افراد خبره، مطلع و معتمد محلی که به‌عنوان آبخیزنشینان بهره‌بردار از منابع طبیعی در روستاهای واقع در شهرستان‌های اردبیل و گرمی محسوب می‌شدند و نیز کارشناسان اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان و شهرستان‌های اردبیل و گرمی بودند. ابتدا با استفاده از مطالعات میدانی، روش پیمایشی و از طریق مشاهده مستقیم در منطقه، موردهای مورد پژوهش به‌صورت هدفمند و نه به‌صورت تصادفی انتخاب شد (Jalali, 2012).

در این مطالعه، از نمونه‌گیری هدفمند (نمونه‌گیری از موارد ویژه) (Struwig and Stead, 2001) و از روش گلوله‌برفی (Jalali, 2012) استفاده شد، به‌طوری‌که ابتدا افراد خبره و مطلعین کلیدی از طریق مراجعه به اداره‌های مرتع و جنگل مربوط به اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان، شناسایی و نمونه‌های بعدی هدف، با

میزان ۲۳/۷ درصد از کارشناسان، دارای تحصیلات دیپلم و کم‌تر، ۸ درصد مدرک کاردانی، ۳۹/۵ درصد تحصیلات کارشناسی، ۲۶/۳ کارشناسی ارشد و ۲/۶ درصد تحصیلات دکتری داشتند. میزان ۱۵/۹ درصد از پاسخ‌دهندگان در گروه کارشناسان زیر ۲۵ سال، ۲۵ درصد بین ۲۶ تا ۳۵ سال، ۳۶/۴ درصد بین ۳۶ تا ۴۵ سال سن، ۲۰/۴ درصد بین ۴۶ تا ۵۵ سال سن و ۲/۳ درصد بالای ۵۶ سال سن داشتند. ۳۵/۷ درصد از پاسخگویان زیر ۱۰ سال، ۳۵/۷ درصد بین ۱۰ تا ۲۰ سال و ۲۸/۶ درصد بین ۲۰ تا ۳۰ سال سابقه کار دارند (جدول ۲).

جدول ۲- مشخصات فردی پاسخگویان

Table 2- Personal characteristics of the respondents

گروه	متغیرها	میانگین	کمینه	بیشینه
سن	متغیرها	40.16±11.09	18	75
تحصیلات ^۱	متغیرها	2.47±1.20	1	5
سابقه کار	متغیرها	15.68±5.90	1	52
سن	متغیرها	36.93±10.86	18	57
تحصیلات ^۲	متغیرها	2.76±1.17	1	5
سابقه کار	متغیرها	15.57±8.50	0	30

* برای تحصیلات بهره‌بردار ۱: بی‌سواد تا ابتدایی، ۲: راهنمایی، ۳: دبیرستان، ۴: دیپلم و ۵: تحصیلات دانشگاهی در نظر گرفته شده است.

** برای تحصیلات کارشناس، ۱: زیر دیپلم، ۲: دیپلم، ۳: کارشناس، ۴: کارشناسی ارشد و ۵: دکتری در نظر گرفته شده است.

۳-۲- سنجش میزان تضاد بین گروه‌داران کلیدی محلی
تبیین تضاد در منطقه، در واقع سنجش ظرفیت‌های حکمرانی، و اجرایی منطقه و تعامل آن با ذی‌نفعان است. با توجه به نتایج جدول ۳، میانگین تضاد جامعه محلی نسبت به میانه تضاد (عدد ۳) بالاتر است، که این مسأله نشان می‌دهد منافع جامعه محلی در این منطقه با سیستم مدیریت در تضاد است.

جدول ۳- وضعیت کلی تضاد بین گروه‌داران کلیدی

Table 3- The general condition of conflict between key stakeholders

تعداد نمونه شامل شده	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد
205	3.36	0.54	0.38

۳-۳- تحلیل وضعیت تضاد و مؤلفه‌های آن
در خصوص بررسی توزیع میانگین متغیرهای مرتبط با تضاد منافع به کمک آزمون تی تک‌نمونه‌ای مشخص شد که همه مؤلفه‌های حقوقی، مدیریتی و بهره‌برداری با میانگین متوسط تفاوت دارد. بنابراین، آزمون معنادار و فرض صفر مبنی بر یکسانی توزیع رد می‌شود و می‌توان استنباط نمود که مقدار میانگین متفاوت از مقدار متوسط است. با توجه به حدود پایین و بالا که هر دو برای مؤلفه‌های مورد نظر مثبت هستند، می‌توان بیان داشت که توزیع

رشته‌های منابع طبیعی و جامعه‌شناسی تأیید شد. همچنین به‌منظور بررسی پایداری درونی سؤالات پرسشنامه از سنجش پایایی ضریب آلفای کرونباخ در نرم‌افزار SPSS و از آزمون قابلیت اعتبار استفاده شد و مقدار آن برای متغیرهای اصلی پژوهش بالاتر از ۰/۷ به‌دست آمد که از نظر آماری مورد قبول است. در بخش تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده از آماره‌های توصیفی (فراوانی، درصد و میانگین) و آماره‌های استنباطی (آزمون تی تک‌نمونه‌ای^۱، آزمون فریدمن^۲ و یو-من-ویتنی^۳) استفاده شد. همچنین روایی و اگرایی این پرسشنامه بر اساس آزمون HTMT^۴ به‌دست آمد (جدول ۱). شاخص روایی و اگرایی اگر کم‌تر از ۰/۹ باشد، نشان می‌دهد متغیرها، همگرایی و اگرایی دارند (Henseler et al., 2015).

جدول ۱- روایی و اگرایی بین مجموعه عوامل

Table 1- Discriminant validity between sets of factors

مدیریتی	بهره‌برداری	اجتماعی	حقوقی	HTMT
0.03	0.58	0.56	0.03	حقوقی
	0.27	0.47		اجتماعی
	0.39			بهره‌برداری
				مدیریتی

۳- نتایج و بحث

۳-۱- توصیف کلی از جامعه پاسخگو

خصوصیات فردی و اجتماعی بهره‌برداران مورد مطالعه نشان می‌دهد که میانگین سنی بهره‌برداران ۴۰ سال بود. جوان‌ترین فرد پاسخگو ۱۸ سال و کهن‌سال‌ترین آن ۷۵ سال داشت. ۸۶ درصد از پاسخگویان را مرد و ۱۴ درصد را زن تشکیل داد. ۳۱ درصد از بهره‌برداران بی‌سواد یا کم‌سواد بودند. ۱۶/۵ درصد تحصیلات ابتدایی، ۲۹ درصد تحصیلات راهنمایی، ۲۱ درصد دیپلم و ۲ درصد تحصیلات دانشگاهی داشتند.

۸/۵ درصد از پاسخ‌دهندگان در گروه بهره‌برداران زیر ۲۵ سال، ۲۷/۴ درصد بین ۲۶ تا ۳۵ سال، ۳۸ درصد بین ۳۶ تا ۴۵ سال سن، ۱۶/۹ درصد بین ۴۶ تا ۵۵ سال سن و ۹/۲ درصد بالای ۵۶ سال سن داشتند. هفت نفر از پاسخگویان (حدود ۴/۴ درصد) بالای ۳۰ سال سابقه کار دارند. میانگین سابقه کار ۱۵ سال (با استاندارد خطای ۹/۵) را نشان می‌دهد. خصوصیات فردی و اجتماعی کارشناسان مورد مطالعه نشان می‌دهد که میانگین سنی کارشناسان ۳۶/۹۳ سال بود. جوان‌ترین فرد پاسخگو ۱۸ سال و کهنسال‌ترین آن ۵۷ سال داشت. ۹۵/۵ درصد از پاسخگویان را مرد و ۴/۵ درصد را زن تشکیل داد.

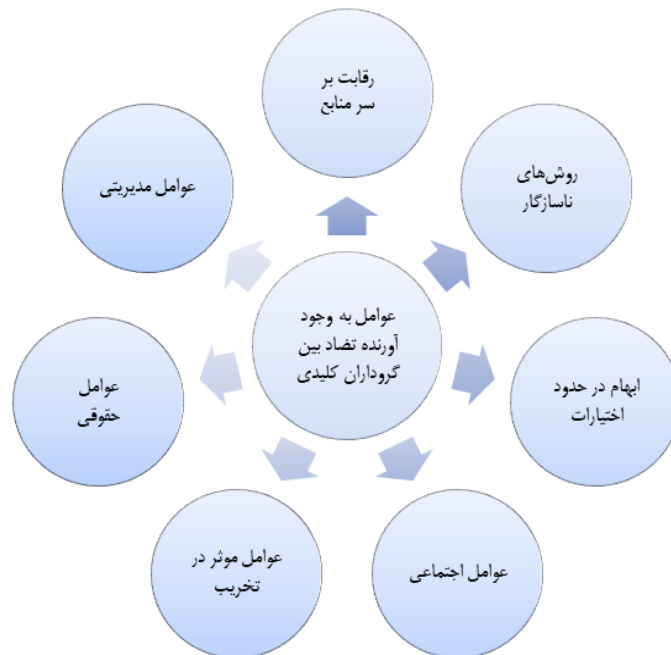
¹ One sample T-test

² Friedman test

³ Mann-Whitney U test

⁴ Heterotrait-monotrait ratio

آمارى با در نظر گرفتن یک درصد خطای نوع اول در حد بیش‌تر از متوسط است (جدول ۴).



شکل ۲- عوامل به وجود آورنده تضاد بین گروه‌داران کلیدی
Figure 2- Factors that cause conflict between key stakeholders

جدول ۴- نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای برای تحلیل وضعیت مؤلفه‌های تضاد بین گروه‌داران کلیدی

Table 4- The results of One-sample t-test for the components of conflict between key stakeholders

نتیجه آماری	تفاوت اطمینان در سطح ۹۵		سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار تی	خطای استاندارد	انحراف معیار	میانگین	مؤلفه‌ها
	حد بالا	حد پایین							
پذیرش	3.41	3.23	0.000	201	72.949	0.05	0.65	3.32	حقوقی
پذیرش	3.16	2.94	0.000	197	54.325	0.06	0.79	3.05	اجتماعی
پذیرش	3.64	3.42	0.000	197	62.913	0.06	0.79	3.53	مدیریتی
پذیرش	3.52	3.35	0.000	201	78.534	0.04	0.62	3.44	بهره‌برداری
پذیرش	3.44	3.28	0.000	201	87.072	0.55	3.3611	3.36	کل

بهره‌بردار» در رتبه سه و «کارشکنی شورای حل اختلاف» در رتبه ۱۳ قرار دارند. از دیدگاه کارشناسان نیز «کمبود قوانین» در رتبه دو، «ضعیف بودن مجازات نقدی» در رتبه سه و «جمعیت زیاد بهره‌بردار» در رتبه ۱۳ قرار دارند. سطح معناداری به دست آمده حاصل از آزمون فریدمن (۰/۰۰۰۱) در بین بهره‌برداران بیان‌گر توافق ذهنی مشترک و (۰/۰۶) در بین کارشناسان بیان‌گر عدم توافق ذهنی مشترک بین دیدگاه‌های جامعه نمونه است (جدول ۵).

۳-۴- نتایج آزمون فریدمن برای تحلیل و رتبه‌بندی تضاد برای مؤلفه حقوقی

بررسی میانگین‌ها از نگاه بهره‌برداران نشان می‌دهد که گویه «تخصصی نبودن شورای حل اختلاف» با میانگین ۳/۵۴ بیش‌ترین و گویه «تعطل کارشناسان دادگستری در ارائه نظرات» با میانگین ۳ کم‌ترین ارزش را داشته‌اند. بررسی میانگین‌ها از نگاه کارشناسان نشان می‌دهد که گویه «کمبود حمایت دولت از دامدار» با میانگین ۳/۶۷ بیش‌ترین و گویه «زمین‌خواری» با میانگین ۲/۹۴ کم‌ترین ارزش را داشته‌اند. در این راستا، نتایج آزمون فریدمن هم نشان می‌دهد که از دیدگاه بهره‌برداران، «کمبود حمایت دولت از دامدار» در رتبه دو، «جمعیت زیاد

جدول ۵- تحلیل متغیرهای حقوقی تضاد بین گروه‌داران کلیدی بر اساس آزمون فریدمن
Table 5- Analysis of the legal variables of conflict between stakeholders based on Friedman test

ردیف	گویه‌ها	بهره‌بردار			کارشناس				
		میانگین	خطای استاندارد	فریدمن	رتبه	میانگین	خطای استاندارد	فریدمن	رتبه
1	تخصصی نبودن شورای حل اختلاف	3.54	1.273	8.36	1	3.22	1.072	7.24	8
2	کمبود حمایت دولت از دامدار	3.57	1.173	8.19	2	3.67	1.394	9.15	1
3	جمعیت زیاد بهره‌بردار	3.54	1.044	8.11	3	3	1.352	6.65	13
4	همکاری ضعیف نیروی انتظامی	3.46	1.208	7.91	4	3.47	1	8.21	4
5	روند طولانی رسیدگی به جرائم و تخلفات	3.49	1.161	7.89	5	3.28	1.256	7.57	6
6	کمبود قوانین	3.47	1.182	7.81	6	3.58	1.360	8.58	2
7	ضعیف بودن مجازات نقدی	3.40	1.143	7.55	7	3.39	1.225	8.28	3
8	زمین‌خواری	3.38	1.343	7.47	8	2.83	1.363	6.53	14
9	تناقضات ماده‌های قانونی	3.37	1.133	7.34	9	2.97	1.276	6.79	11
10	نقص قوانین	3.34	1.211	7.31	10	3.28	1.210	7.94	5
11	دیر اجرایی شدن احکام صادره	3.29	1.142	7.17	11	3.08	1.156	6.94	10
12	عدم تنسيق مراتع	3.24	1.027	6.94	12	3.19	1.142	7.26	7
13	کارشنکی شورای حل اختلاف	3.14	1.214	6.68	13	3.22	1.222	7.18	9
14	تخلل کارشناسان دادگستری در ارائه نظرات	3.01	1.103	6.26	14	2.97	0.878	6.67	12
	سطح کای اسکوتر		39.11				21.34		
	درجه آزادی		13				13		
	سطح معناداری		0				0.066		

۳-۵- نتایج آزمون فریدمن برای تحلیل و رتبه‌بندی بهره‌بردارهای منجر به تخریب

بررسی میانگین‌ها بین بهره‌برداران نشان می‌دهد که گویه «فقر مالی و کاهش درآمد» با میانگین ۳/۸۷ بیش‌ترین و گویه «آتش‌سوزی عمدی» با میانگین ۳/۰۶ کم‌ترین ارزش را داشته‌اند. بررسی میانگین‌ها بین کارشناسان نشان می‌دهد که گویه «نداشتن تعاونی مرتعداری» با میانگین ۳/۷۶ بیش‌ترین و گویه «آتش‌سوزی عمدی» با میانگین ۲/۷۶ کم‌ترین ارزش را داشته‌اند. در این راستا، نتایج آزمون فریدمن هم نشان می‌دهد که در بین بهره‌برداران «نزاع و دعوای قومی بین بهره‌برداران» در رتبه دو، «ناکافی بودن آب در مرتع» در رتبه سوم، «عدم تعادل بین دام و دامدار (دامدار زیاد)»، در رتبه چهارم و «شیوه مالکیت مراتع» در رتبه ۳۳ قرار دارند. همچنین در بین کارشناسان، آزمون فریدمن نشان می‌دهد که «ناکافی بودن آب در مرتع» در رتبه دو، «عدم توجه به طرح‌های گردش‌گری» در رتبه سوم، و «قطع درختان جنگلی» در رتبه چهارم و «بوته‌کنی جهت تأمین سوخت» در رتبه ۳۳ قرار دارند. سطح معناداری به‌دست آمده حاصل از آزمون فریدمن (۰/۰۰۱) بیان‌گر توافق مشترک بین دیدگاه‌های ذهنی جامعه نمونه کارشناس و بهره‌بردار است (جدول ۶).

۳-۶- نتایج آزمون فریدمن برای تحلیل و رتبه‌بندی مؤلفه‌های اجتماعی مؤثر بر ایجاد تضاد در منطقه

بررسی میانگین‌ها در بین بهره‌برداران نشان می‌دهد که گویه «سطح آگاهی بهره‌برداران» با میانگین ۳/۳۱ بیش‌ترین و گویه «میزان امکانات روستا» با میانگین ۲/۸۹ کم‌ترین ارزش را داشته‌اند. بررسی میانگین‌ها در بین کارشناسان نیز نشان می‌دهد که گویه «میزان همیاری مردم در اجرای طرح‌های عمومی در روستا» با میانگین ۳/۳۲ بیش‌ترین و گویه «کم‌رنگ بودن حضور زنان در عرصه» با میانگین ۲/۹۰ کم‌ترین ارزش را داشته‌اند. در این راستا نتایج آزمون فریدمن در بین بهره‌برداران هم نشان می‌دهد که «میزان همیاری مردم در اجرای طرح‌های عمومی در روستا» در رتبه دو، و «وضعیت بهداشت روستا» در رتبه ۱۰ قرار دارند. این مقادیر در بین کارشناسان به‌صورت «مهاجرت» در رتبه دو، و «میزان اعتماد مردم به دولت» در رتبه ۱۰ قرار دارد. سطح معناداری به‌دست آمده حاصل از آزمون فریدمن در بین بهره‌برداران (۰/۰۰۱) بیان‌گر توافق ذهنی مشترک بین دیدگاه‌های ذهنی جامعه نمونه است، در حالی که آزمون فریدمن در بین کارشناسان (۰/۶۲۴) نشان از عدم توافق ذهنی در بین آنان داشت (جدول ۷).

جدول ۶- تحلیل وضعیت بهره‌برداری‌های منجر به تخریب حوزه آبخیز بر اساس آزمون فریدمن

Table 6- Analysis of watershed degradation factors based on Friedman test

ردیف	گویه‌ها	بهره‌بردار		کارشناس					
		میانگین	خطای استاندارد	فریدمن	رتبه	میانگین	خطای استاندارد	فریدمن	رتبه
1	فقر مالی و کاهش درآمد	3.87	1.090	20.70	1	3.41	1.119	18.76	8
2	نزاع و دعوای قومی بین بهره‌برداران با شهرهای	3.72	1.233	19.80	2	3.31	1.365	17.26	19
3	ناکافی بودن آب در مراتع و شیوه توزیع آن	3.77	1.165	19.77	3	3.83	1.002	21.02	2
4	عدم تعادل بین مرتع و دامدار (افزایش دامدار)	3.67	1.129	19.26	4	3.31	1.105	17.84	16
5	عدم توجه به طرح‌های گردش‌گری در روستا	3.60	1.191	19.22	5	3.69	1.072	20.97	3
6	رقابت بین بهره‌برداران در چرانیدن دام	3.64	1.133	19.20	6	3.41	1.018	18.34	12
7	نداشتن تعاونی مرتعداری	3.57	1.3	18.60	7	3.76	1.023	21.38	1
8	بهره‌برداری غیراصولی از محصولات فرعی منابع	3.55	1.3	18.95	8	3.21	1.320	16.79	23
9	نداشتن طرح مرتعداری و جنگلداری	3.57	1.244	18.52	9	3.69	1.168	20.26	5
10	عدم انطباق طرح‌های آبخیزداری با شرایط	3.55	1.293	18.84	10	3.55	1.352	19.28	7
11	چرای زودرس دام (زودهنگام)	3.59	1.307	18.44	11	3.48	1.090	18.64	9
12	تبدیل کاربری اراضی ملی به دیگر کاربری‌ها	3.51	1.262	18.41	12	3.34	1.010	17.96	15
13	پایین بودن فعالیت آموزشی و ترویجی کارشناسان	3.57	1.235	18.41	13	3.38	1.083	17.28	18
14	نبودن قریبان	3.61	0.981	18.31	14	3.38	1.820	17.98	14
15	حضور افراد یا دامداران غیربومی در مرتع	3.52	1.318	17.94	15	3.28	1.251	16.81	22
16	اجرای سیستم چرای نامناسب	3.50	1.048	17.82	16	3.38	1.083	18.38	11
17	افزایش جمعیت منطقه (کل مردم منطقه چه	3.51	1.115	17.77	17	3.48	1.153	18.43	10
18	عملیات اصلاحی نامناسب در مرتع	3.50	1.058	17.44	18	3.21	0.861	۱۵/۴۳	3
19	افزایش تعداد دام در عرصه‌ها	3.45	1.194	17.37	19	3.21	1.177	16.31	27
20	طولانی بودن مدت چرا (خروج دیرهنگام)	3.42	1.252	17.26	20	3.62	1.115	20.10	6
21	وابستگی معیشت مردم به طبیعت	3.43	1.292	16.87	21	3.31	1.105	20	20
22	قطع درختان جنگلی	3.39	1.448	16.79	22	3.62	1.545	20.45	4
23	بوته‌کنی جهت سوخت و تأمین انرژی	3.32	1.248	16.40	23	2.83	1.136	13.36	33
24	زغال‌گیری	3.35	1.261	16.40	24	3.28	1.360	16.52	25
25	قاچاق چوب	3.38	1.135	16.34	25	3.24	0.9510	16.64	24
26	پاک‌تراشی اراضی ملی	3/30	1/203	16.24	26	3.31	1.312	18.12	13
27	چرای سنگین یا مفرط دام	3.37	1.116	16.24	27	3.17	1.256	16.31	28
28	کشت زیراشکوب (کشت دیم در مرتع) یا کشت زیر	3.34	1.112	16.21	28	3.10	0.976	14.76	31
29	عدم سرمایه‌گذاری و انگیزه اقتصادی در بین	3.33	1.119	16.14	29	3.24	1.185	17.02	21
30	پراکنش نامناسب دام در مرتع	3.34	1.084	15.97	30	3.03	0.906	14.17	32
31	واگذاری مراتع به سایر کاربری‌ها	3.30	1.262	15.82	31	3.21	1.320	16.33	26
32	خشکسالی	3.22	1.126	15.38	32	3.41	1.053	17.29	17
33	شیوه مالکیت مراتع (افرازی، مشاعی، شورایی)	3.22	1.126	15.23	33	3.24	1.185	166.16	29
34	آتش‌سوزی عمدی در مراتع	3.06	1.275	13.65	34	2.76	1.023	11.57	34
	سطح کای اسکوتر		90.68				55.27		
	درجه آزادی		33				33		
	سطح معناداری		0				0.01		

داشته‌اند. بررسی میانگین‌ها در بین کارشناسان نشان می‌دهد که گویه «فرق مراتع و جنگل» با میانگین ۳/۹۵ بیش‌ترین و گویه «مدیریت مشارکتی» با میانگین ۳/۴۳ کم‌ترین ارزش را داشته‌اند.

۳-۷- نتایج آزمون فریدمن برای تحلیل و رتبه‌بندی اقدامات مدیریتی منابع طبیعی

بررسی میانگین‌ها در بین بهره‌برداران نشان می‌دهد که گویه «فرق مراتع و جنگل» با میانگین ۳/۹۲ بیش‌ترین و گویه «حل مشکلات مالکیت مراتع» با میانگین ۳/۴۴ کم‌ترین ارزش را

جدول ۷- تحلیل وضعیت متغیرهای اجتماعی تضاد بین گروه‌داران کلیدی بر اساس آزمون فریدمن
Table 7- Analysis of social variables of conflict between stakeholders based on Friedman test

ردیف	گویه‌ها	بهره‌بردار			کارشناس		
		میانگین	خطای استاندارد	رتبه	میانگین	خطای استاندارد	رتبه
1	سطح آگاهی بهره‌برداران	3.31	1.120	6.84	3.07	1.456	4
2	میزان همبازی مردم در اجرای طرح‌های عمومی در روستا	3.21	1.153	6.47	3.32	1.171	1
3	مهاجرت	3.20	1.194	6.29	3.34	1.237	2
4	تمایل به ماندن در منطقه	3.13	1.244	6.19	3.1	1.241	6
5	میزان اعتماد مردم به یکدیگر	3.08	1.146	6.15	3.2	1.167	3
6	تعداد افراد جوان در منطقه	3.07	1.343	6.02	2.95	1.264	9
7	درگیری و نزاع بین مردم	3.03	1.178	5.99	3.05	1.244	7
8	میزان اعتماد مردم به دولت	2.91	1.293	5.71	2.93	1.33	10
9	کم‌رنگ بودن حضور زنان در عرصه	2.94	1.184	5.48	2.9	1.241	11
10	وضعیت بهداشت روستا	2.88	1.211	5.46	3.07	1.273	8
11	میزان امکانات روستا	2.89	1.189	5.41	3.1	1.281	5
	سطح کای اسکوتر		30.36			8.04	
	درجه آزادی		10			10	
	سطح معناداری		0.00			0.62	

تضاد پرداخته شد. هم‌چنین با بررسی هر یک از متغیرهای مورد نظر، عوامل ایجاد تضاد در شهرهای اردبیل و گرمی استان اردبیل شناسایی شد. در این مطالعه، در کل منطقه تضادهایی شناسایی شد، ولی از نظر دیدگاهی، بین بهره‌برداران و کارشناسان دولتی اختلاف معناداری مشاهده نشد.

در بخش حقوقی این مطالعه، تخصصی نبودن شورای حل اختلاف، کمبود دستورالعمل‌های حمایت دولت از بهره‌بردار، جمعیت زیاد بهره‌بردار، روند طولانی رسیدگی به جرائم، از سوی بهره‌برداران و کمبود حمایت دولت از دامدار، کمبود قوانین، ضعیف بودن مجازات نقدی، همکاری ضعیف نیروی انتظامی از سوی کارشناسان به‌عنوان عوامل مهم ایجادکننده تضاد در منطقه معرفی شدند. (Ansari et al. (2007) نیز مهم‌ترین عامل ایجاد تخریب در مراتع از نظر حقوقی را کمبود قوانین، نقص قوانین و کم بودن میزان جریمه‌ها معرفی کرده‌اند. (Mirdeilami and Sepehri (2013) نیز به وجود نقص‌ها و تعارض‌ها در قوانین مربوط به مراتع اشاره کردند. (Roudgarmi and Amouzadeh Mahdiraji (2019) به این موضوع اشاره داشتند که در قوانین منابع طبیعی موجود، به دانش بومی و اثرات آن در احیاء، توسعه و حفاظت از جنگل‌ها و مراتع توجهی نشده است. (Anabestani and Naderi (2018) نیز در مطالعه‌ای که در شهرستان بینالود داشتند، فقدان نظام بهره‌برداری از منابع طبیعی را به‌عنوان عامل مؤثر ایجادکننده چالش معرفی کردند.

در این راستا، نتایج آزمون فریدمن هم در بین بهره‌برداران نشان می‌دهد که «نظارت شدید دولتی» در رتبه دو و «جلوگیری از چرای دام در سطح جنگل‌ها» در رتبه سوم و «مدیریت مشارکتی» در رتبه ۱۰ قرار دارند. هم‌چنین، نتایج آزمون فریدمن در بین کارشناسان نشان می‌دهد که «اعمال مجازات‌های سنگین برای متخلفان» در رتبه دو و «افزایش تعاونی‌های مرتعداری» در رتبه سه و «حل مشکلات مالکیت مراتع» در رتبه ۱۰ قرار دارند. سطح معناداری به‌دست آمده حاصل از آزمون فریدمن (۰/۰۰) بیان‌گر توافق ذهنی مشترک بین دیدگاه‌های ذهنی جامعه نمونه است (جدول ۸).

۳-۸- مقایسه دیدگاه‌های بهره‌برداران و کارشناسان در عوامل مؤثر بر تضاد

در خصوص مقایسه دیدگاه‌های بهره‌برداران و کارشناسان با توجه به نرمال نبودن داده‌ها، از آزمون ناپارامتری یو-من-ویتنی استفاده شد. نتایج نشان داد که در خصوص عوامل مؤثر بر تضاد در مدیریت منابع طبیعی، بین مؤلفه‌های حقوقی، بهره‌برداری، اجتماعی و مدیریتی در سطح ۹۹ درصد بین بهره‌برداران و کارشناسان تفاوت دیدگاه وجود ندارد (جدول ۹). به‌عبارتی علی‌رغم وجود اختلاف نظر در بین بهره‌برداران و کارشناسان، می‌توان گفت از نظر ذهنی در منطقه تعارض وجود ندارد.

در این مطالعه، با توجه به تنش‌های حاصل از کمبود اراضی ملی در سال‌های گذشته و احتمال وقوع و یا تشدید چنین تنش‌هایی در سال‌های آینده، به تعیین متغیرهای مؤثر در ایجاد

جدول ۸- تحلیل متغیرهای مربوط به اقدامات کاهنده تخریب جنگل و مرتع بر اساس آزمون فریدمن

Table 8- Analysis of variables of forest and rangeland degradation Reducing measures based on Friedman test

ردیف	گویه‌ها	بهره‌بردار		کارشناس					
		میانگین	خطای استاندارد	فریدمن	رتبه	میانگین	خطای استاندارد	فریدمن	رتبه
1	فرق مراتع و جنگل	3.92	1.136	7.15	1	3.95	1.053	6.89	1
2	نظارت شدید دولتی	3.83	1.106	6.94	2	3.92	1.14	6.55	4
3	جلوگیری از چرای دام در سطح جنگل‌ها	3.65	1.151	6.29	3	3.65	1.274	5.92	6
4	اعمال مجازات‌های سنگین برای متخلفان	3.6	1.188	6.13	4	3.84	1.28	6.73	2
5	تعیین ناظرین/فرقی‌بانان محلی	3.58	1.208	6.04	5	3.49	1.93	5.76	7
6	ممیزی مراتع	3.51	1.095	5.85	6	3.59	1.117	5.68	8
7	تأمین نهاده و تسهیلات کم‌بازده از سوی دولت	3.53	1.148	5.69	7	3.76	0.955	6.36	5
8	مدیریت مشارکتی	3.43	1.386	5.59	8	3.84	1.259	6.85	11
9	کاهش دام مازاد	3.37	1.108	5.51	9	3.51	1.146	5.45	9
10	افزایش تعداد تعاونی‌های مرتع‌داری	3.36	1.178	5.42	10	3.43	0.959	4.85	3
11	حل مشکلات مالکیت مراتع	3.44	1.153	5.4	11	3.43	1.214	5.23	10
	سطح کای اسکوتر		55.07				20.91		
	درجه آزادی		10				10		
	سطح معناداری		00.00				0.02		

جدول ۹- مقایسه دیدگاه گروداران کلیدی در عوامل مؤثر بر تضاد بر اساس آزمون یو من-ویتنی

Table 9- Comparison of stakeholder perspectives on factors affecting conflict based on Mann-Whitney U test

سطح معناداری	یومن-ویتنی	میانگین رتبه‌های گروه دوم		مؤلفه‌های مورد بررسی
		بهره‌برداران	کارشناسان	
0.977	3522.5	101.56	101.28	حقوقی
0.392	3153.5	97.61	105.92	اجتماعی
0.63	3226.5	98.45	103.17	مدیریتی
0.91	3493.5	101.25	102.37	بهره‌برداری
0.695	3380	100.53	104.89	کل

* $\mu < 0.05$ ** $\mu < 0.01$

همسایه، و ناکافی بودن آب در مراتع و شیوه توزیع آن و در بین کارشناسان، نداشتن تعاونی مرتع‌داری، ناکافی بودن آب در مرتع، عدم توجه به طرح‌های گردش‌گری به‌عنوان بیش‌ترین عامل تخریب مراتع انتخاب شد.

مطالعات گذشته، مهم‌ترین عامل تخریب در مراتع استان اردبیل را عوامل مربوط به دام مازاد، چرای مفرط و ورود زود هنگام دام به مرتع دانسته‌اند (Seyed Akhlaghi et al., 2012) این در حالی است که در این منطقه، هیچ‌کدام از عوامل مربوط به دام و چرا از سوی بهره‌برداران به‌عنوان عامل اصلی تخریب معرفی نشده است. دام مازاد، از سوی بهره‌برداران در رتبه ۱۸ و از سوی کارشناسان در رتبه ۲۶ قرار گرفته است. قطع درختان، زغال‌گیری، قاچاق چوب و بوته‌کشی در بین بهره‌برداران در رتبه‌های ۲۲ تا ۲۵ قرار گرفت. کارشناسان نیز قاچاق چوب، زغال‌گیری، و بوته‌کشی را به‌ترتیب در رتبه‌های ۲۵، ۲۷ و ۳۱ قرار دادند، اما اعتقاد داشتند قطع درختان در رتبه شش عوامل تخریب است. چرای مفرط از سوی بهره‌برداران و کارشناسان، در آخرین رتبه‌های اهمیت قرار دارد که نشان از عدم اولویت‌دهی به این

مسائلی مانند زمین‌خواری، تعلل کارشناسان دولتی در اجرایی شدن احکام، تعلل کارشناسان دادگستری در پاسخ، چه از دیدگاه بهره‌برداران و چه کارشناسان مسأله مهم در این منطقه نبود. در این مطالعه، کمبود حمایت دولت از دام‌دار در بین بهره‌برداران و کارشناسان حائز اهمیت بود. این مسأله نشان از آشنا بودن گروداران کلیدی به حق و حقوق خود در این زمینه دارد. از دیگر مشکلات بین مردم و دولت که به‌صورت ریشه‌دار از گذشته دور تاکنون بوده، افزایش جمعیت بهره‌بردار است که منجر به مشکلاتی در مرتع و جنگل می‌شود. البته این مسأله از دیدگاه مردم عامل ایجاد تناقض است و کارشناسان چنین نظری نداشتند. یافته این پژوهش در این مورد با گزارش Mahmoodi et al. (2012) که جمعیت زیاد دام‌دار، تعداد زیاد دام و نامشخص بودن مالکیت در مرتع از مهم‌ترین مشکلات مدیریت مرتع معرفی کرده است، تطابق ندارد. در زمینه بررسی بهره‌برداری‌های منجر به تخریب در منطقه مورد مطالعه ۳۴ فاکتور در بین بهره‌برداران و کارشناسان بررسی شد. در بین بهره‌برداران، فقر مالی و کاهش درآمد، دست‌اندازی‌های بهره‌برداران شهرهای

مهاجرت خانوارها از روستاها و کاهش سرمایه‌های اجتماعی می‌شود. در واقع نبود امکانات و فرصت‌های شغلی در منطقه، می‌تواند منجر به مهاجرت شود که خود عامل بروز درگیری و تضاد است. (Afshari nia and Vali, 2021) نیز بر این باورند که انجام اقداماتی برای پیوند دولت و جامعه محلی با هدف کاهش تعارض و حفاظت بهتر از منابع طبیعی و نیز حفظ و نگهداری طرح‌های اجرا شده مفید خواهد بود.

در خصوص عوامل کاهنده تضاد بین گروداران کلیدی، قرق مراتع به‌عنوان عامل حل مشکل معرفی شد. پاسخ بهره‌برداران به عوامل کاهش تخریب منابع طبیعی، قرق مراتع، نظارت شدید دولتی از سوی هردو گروه بوده است. این انتخاب از سوی کارشناسان، با اعمال مجازات‌های سنگین ادامه یافته است. در این میان، بهره‌برداران، نظارت شدید دولتی و کارشناسان اعمال مجازات‌های سنگین را پیشنهاد دادند. البته که انتخاب‌های کارشناسان و بهره‌برداران نیز چندان تمایل ذهنی آن‌ها به مدیریت منطقه به‌صورت مشارکتی نشان نداد. مدیریت مشارکتی موضوعی است که در این منطقه بسیار کم‌رنگ است، به نحوی که لزوم تشکیل تعاونی‌های جنگل و مرتع و مدیریت مشارکتی از سوی هر دو گروه در ردیف‌های آخر توجه قرار گرفت. این امر مستلزم این است که زیرساخت‌های لازم مهیا شود. در واقع بهره‌برداران معتقدند که باید یک نیروی داخلی برای نظارت بر تجاوز به مراتع و جنگل‌ها وجود داشته باشد. این در حالی است که از عوامل کاهنده تخریب در جنگل و مرتع، قرق بخشی از جنگل و مرتع رتبه یک را گرفته است. به‌عبارتی معتقدند، قرق باعث کاهش تخریب منابع طبیعی می‌شود، اما این توافق به‌صورت ذهنی است و در عرصه اجرا به‌دلیل محدودیت‌هایی که برای بهره‌برداران ایجاد می‌کند و نداشتن منافع اقتصادی برای ایشان، تمایل به کمک و همیاری در قرق جنگل‌ها و مراتع ندارد. (Jannatichenar and Kolahi, 2018) و (Jannatichenar et al., 2020) نیز به پایین بودن مشارکت مردم با دولت و در نتیجه افزایش تعارض‌ها اشاره کرده است.

۴- نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که بین بهره‌برداران و کارشناسان منابع طبیعی مدل ذهنی تقریباً مشابهی از علل بروز تضاد در منطقه وجود دارد. آن‌چه که در این منطقه به‌عنوان عامل منجر به تضاد شناخته شده، فقر مالی و وابستگی معیشتی مردم به طبیعت است. مشخص نبودن مرزهای مراتع با استان‌های همجوار، کمبود آب و افزایش دام‌دار از جمله عواملی هستند که این مسأله را تشدید می‌کنند. همان‌طور که کارشناسان ادعا داشتند نبود تعاونی‌های منابع طبیعی، به‌عنوان نهاد دارای قدرت مردمی، قدرت

موضوع در بحث عوامل مؤثر بر تخریب مراتع این استان دارد. شخم زیراشکوب و تبدیل کاربری اراضی، در اولویت‌های آخر بهره‌برداران و کارشناسان قرار گرفت. (Jannatichenar and Kolahi, 2018) معتقد است علت این امر وجود قوانین واگذاری است که بهره‌بردار را مجاب می‌کند با تخریب اراضی ملی بتواند آن را مالک شود. تخریب و تصرف اراضی ملی از جمله جرم‌هایی است که منجر به تشکیل پرونده در این منطقه می‌شود، با این وجود به نظر می‌رسد که کارشناسان و بهره‌برداران آن را به‌عنوان عامل تخریب‌زا نمی‌شناسند. هرسال در شروع فصل چرا، نزاع‌های دسته جمعی بین مرتع‌داران مرزی و استان‌های مجاور رخ می‌دهد که یکی از عوامل ایجادکننده تضاد است. از نظر بهره‌برداران و کارشناسان، رقابت درون گروهی بر سر چرانیدن دام در این منطقه چندان مشکل ساز نیست.

بر اساس رتبه‌دهی گروداران کلیدی، آتش‌زدن عمدی جنگل‌ها و مراتع در این منطقه بسیار جزئی رخ می‌دهد و در رتبه‌های آخر جرائم منجر به تشکیل پرونده ثبت شد. اختلافات مرز سامان معرفی می‌تواند در بعضی مناطق منجر به آتش‌زدن مرتع شود که با نظرات بهره‌برداران در این منطقه تطابق نداشت (Jannatichenar and Kolahi, 2018). افزایش جمعیت بهره‌بردار از سوی بهره‌برداران به‌عنوان عامل ایجاد تخریب معرفی شده است. (Mahmoodi et al., 2012) نیز جمعیت زیاد دام‌دار و تعداد زیاد دام را از مهم‌ترین مشکلات مدیریت مرتع معرفی کرده‌اند.

مشکل در مالکیت اراضی، با سه گویه پاک‌تراشی اراضی ملی، کشت زیراشکوب، تبدیل کاربری اراضی ملی و نزاع و درگیری میان برون‌گروه‌ها و مشخص نبودن مالکیت در مراتع سنجیده شد. در این بین فقط نزاع بین گروه‌ها به‌عنوان عامل ایجاد تضاد معرفی شد. این در حالی است که در جهان درگیری با موضوع مالکیت بر سر سرزمین یکی از موارد منجر به تضاد است. (Mondher et al., 2021) در بررسی وضعیت تضاد در مراتع جنوب تونس نتیجه گرفتند که مدیریت خصوصی نسبت مدیریت مشاعی و گروهی موفق‌تر بوده است. اختلاف درون جامعه و برون جامعه بر سر تصاحب زمین از علل برجسته درگیری‌های خشونت‌آمیز معرفی شده است (Vesco et al., 2020).

در خصوص نقش مؤلفه‌های اجتماعی در ایجاد تضاد در منابع طبیعی، بهره‌برداران، سطح آگاهی بین مردم و میزان همیاری مردم در اجرای طرح‌های عمومی در روستا را به‌عنوان عامل ایجادکننده تضاد در منطقه معرفی کردند. کارشناسان هم میزان همیاری در بین مردم و مهاجرت را به‌عنوان عامل تعارض‌زا در منطقه معرفی کردند. (Ghasemi et al., 2018) معتقد است که تضاد بین کنش‌گران باعث تضعیف معیشت خانوارهای روستایی،

چالش‌های منجر به تضاد را در این منطقه به‌صورت جدی شناسایی کرده و در قالب برنامه‌های مشارکتی و با حضور خود مردم، اقدام به حل مسأله کنند. به‌نظر می‌رسد که به‌دلیل عدم حضور تعاونی‌ها یا سازمان‌های مردم‌نهاد، جامعه محلی به‌طور کامل از جایگاه قانونی خود مطلع نیستند و روحیه مطالبه‌گری ندارند. حضور قوی‌تر کارشناسان منابع طبیعی در عرصه‌های مردم، شناخت پتانسیل‌های معیشتی منطقه و تشویق و آموزش مردم به سمت شناختن مشاغل جایگزین می‌تواند راه‌کار مناسبی در کاهش تضاد بین ذی‌نفعان و ذی‌مدخلان منابع طبیعی باشد. سود این امر علاوه بر این که به طبیعت باز می‌گردد، بهره‌برداران را نیز برخوردار خواهد کرد.

مطالبه‌گری مردم را کم کرده است. از سوی دیگر نادیده گرفته شدن دیگر فرصت‌های بهره‌برداری چندمنظوره در این منطقه از قبیل گردش‌گری، سبب شده است که وابستگی یک سوئیه مردم به منابع، بر شدت تعارض بی‌افزاید. جامعه محلی متوجه نقص و ناکارآمدی بخشی از قانون‌گذار (شورای حل اختلاف) که با آن بیش‌تر در ارتباط است، می‌باشد. این در حالی است که هنوز سطح آگاهی بهره‌برداران در خصوص عوامل منجر به تضاد پایین است. عدم احساس تعلق به سرزمین در این منطقه باعث شده است که همیاری بین مردم، ضعیف باشد. برای حل مشکلات منجر به تعارض منابع طبیعی در این منطقه، حضور قدرت‌مندتر دولت پیشنهاد می‌شود، مسئولان اداره‌کننده منابع طبیعی،

منابع

عنابستانی، ع.ا.، و نادری، م. (۱۳۹۷). بررسی چالش‌های مدیریت منابع محیطی در مناطق روستایی (نمونه موردی: شهرستان بینالود). *جغرافیا و مخاطرات محیطی*، ۷(۴)، ۵۳-۷۰.

قاسمی، م.، و کرمی‌دهکردی، ا. (۱۳۹۶). تحلیل شبکه تضاد ذینفعان در حفاظت و بهره‌برداری از منابع طبیعی (مطالعه موردی: حوضه‌های آبخیز دوراهان و چشمه‌علی). *تحقیقات مرتع و بیابان ایران*، ۲۴(۱)، ۳۹-۵۶.

قاسمی، م.، کرمی‌دهکردی، ا.، و ابراهیمی، ع. (۱۳۹۶). تحلیل تضاد کنشگران اجتماعی در عرصه‌های منابع طبیعی و تأثیرات آن بر جامعه روستایی (مورد مطالعه: شهرستان بروجن). *پژوهش‌های روستایی*، ۸(۴)، ۶۳۵-۶۴۸.

کلاهی، م. (۱۴۰۰). *گروه‌داران منابع طبیعی، آب و توسعه پایدار*، ۱(۱)، ۱۹-۳۰.

محمودی، ج.، میربزرگی، س.ع.، حیدری، ق.، و رعیتی، م. (۱۳۹۱). شاخص‌های تأثیرگذار بر پروژه مدیریت چرا در مراتع بیلاقی مازندران از دیدگاه کارشناسان منابع طبیعی. *تحقیقات مرتع و بیابان ایران*، ۲(۳)، ۴۹-۵۹.

مظهری، م.، و خاکسار آستانه، ح. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر اجرای طرح‌های مرتعداری بر کارایی مراتع (مطالعه موردی: استان خراسان رضوی). *اقتصاد و توسعه کشاورزی*، ۲۳(۲)، ۱۲-۲۰.

میردیلیمی، س.ز.، سپهری، ع. (۱۳۹۲). بررسی و تحلیل قوانین مورد استفاده در مدیریت مراتع ایران. همایش ملی مدیریت منابع طبیعی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان.

یوسفی، ع.، امینی، م.، فتحی، ا.، و یادگاری، آ. (۱۳۹۵). ارزیابی راه‌های حل تعارض رودخانه زاینده‌رود از دیدگاه کشاورزان و ذی‌مدخلان. *علوم آب و خاک*، ۲۰(۷۶)، ۱۴۳-۱۵۹.

افشاری‌نیا، م.، و ولی، ع.ع. (۱۴۰۰). بررسی اثربخشی طرح‌های مدیریت بیابان بر ساکنین اکوسیستم بیابان (مطالعه موردی: کاشان). *مدل‌سازی و مدیریت آب و خاک*، ۱(۱)، ۴۰-۵۰.

انصاری، ن.، سیداخلاقی‌شال، س.ج.، و فیاض، م. (۱۳۸۶). نقش عوامل قانونی و تشکیلاتی، مدیریت منابع و گروه‌های اجتماعی در تخریب منابع طبیعی تجدیدپذیر. مرتع، ۱(۴)، ۴۲۳-۴۳۹.

انصاری، ن.، سیداخلاقی‌شال، س.ج.، و قاسمی، م.ج. (۱۳۸۷). عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر در تخریب منابع طبیعی کشور و سهم آن‌ها در تخریب. *تحقیقات مرتع و بیابان ایران*، ۱۵(۴)، ۵۰۸-۵۲۴.

تاتار، م.، پاپزن، ع.، و احمدوند، م. (۱۳۹۷). مدیریت تضاد آب کشاورزی در حوزه آبخیز گاوشان: راهکارهای مبتنی بر راهبرد همکاری. *علوم ترویج و آموزش کشاورزی*، ۱۴(۱)، ۹۱-۱۱۱.

جلالی، ر. (۱۳۹۱). نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی. *تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، ۱(۴)، ۳۱۰-۳۲۰.

جنتی‌چنار، م.ع.، کلاهی، م.، و مصداقی، م. (۱۳۹۹). تعارضات اجتماعی و مدیریت مراتع: مطالعه موردی مراتع شهرستان کلات نادر. *بوم‌شناسی کاربردی*، ۳۹(۳)، ۷۷-۹۷.

رودگرمی، پ.، و عموزاده، م.ت. (۱۳۹۷). بررسی قوانین و مقررات کشوری مرتبط با جنگل‌ها و مراتع. *مدیریت اراضی*، ۶(۲)، ۱۵۳-۱۶۷.

سیداخلاقی، س.ج.، انصاری، ن.، و یوسف‌کلاقی، س. (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی اقتصادی مؤثر بر تخریب منابع طبیعی استان اردبیل از دیدگاه بهره‌برداران و کارشناسان. *تحقیقات مرتع و بیابان ایران*، ۱۹(۱)، ۱۳۳-۱۴۸.

علی‌بیگی، ج. (۱۳۹۷). بررسی نظام حقوقی بهره‌برداری جوامع روستایی و عشایری از منابع طبیعی در ایران. *انسان و محیط‌زیست*، ۱۶(۱)، ۷۵-۹۳.

References

Afshari nia, M., & Vali, A. (2021). Survey of the effectiveness of desert management plans on the inhabitants of the desert ecosystem (Case

study: Kashan). *Water and Soil Management and Modeling*, 1(1), 40-50 (in Persian).

- Alibeygi, J. (2018). The Study of legal system of rural and tribal communities to exploit natural resources in Iran. *Human and Environment*, 44 (1), 76-93 (in Persian).
- Anabestani, A.A., & Naderi, M. (2018). The survey of challenges of environmental resources management in rural areas (Case study: Binaloud county). *Geography and Environmental Hazard*, 28 (4), 53-70 (in Persian).
- Ansari, N., Seyed Akhlaghi Shal, S.J., & Fayaz, M. (2007). Effects of legal and organization factors, resource management and social groups on the degradation of renewable natural resources. *Rangeland*, 1(4), 423-438 (in Persian).
- Ansari, N., Seyed Akhlaghi Shal, S.J., & Ghasemi, M. (2009). Determination of socio-economic factors on natural resources degradation of Iran. *Rangeland and Desert Research*, 15(4), 508-524 (in Persian).
- Bond, J. (2014). A holistic approach to natural resource conflict: The case of Laikipia County, Kenya. *Journal of Rural Studies*, 34, 117-127.
- Ghasemi, M., & Karamidehkordi, E. (2017). Analyzing stakeholder's conflict network in natural resources conversation and exploitation: Case study: the Dorahan and Cheshme ali watershed. *Range and Desert Research*, 24(1), 39-56 (in Persian).
- Ghasemi, M., Karamidehkordi, E., & Ebrahimi, A. (2018). Analyzing social actors' conflict in natural resources management and its impact on rural communities (case study: Borujen county). *Rural Research*, 8(4), 635-648 (in Persian).
- Henseler, J., Ringle, Ch., & Sarstedt, M. (2015). A new criterion for assessing discriminant alidity in variance-based structural equation modeling. *Journal of the Academy of Marketing Science*, 43, 115-135.
- Hubert, N. (2021). The nature of peace: How environmental regulation can cause conflicts. *World Development*, 141, 1-12.
- Jalali, R. (2012). Qualitative research sampling. *Qualitative Research in Health Sciences*, 1(4), 20-31 (in Persian).
- Jannatichenar, M.A., Kolahi, M., & Mesdaghi, M. (2020). Social Conflicts and Rangeland Management: A Case Study at Rangelands of Kalatnader County, Iran. *Iranian Journal of Applied Ecology*, 9(3), 77-97 (in Persian).
- Jannatichenar, M.A., & Kolahi, M. (2018). The conflict between ranchers and natural resources management. Proceedings of the 7th National Conference on Rangeland and Rangeland Management of Iran, Tehran, Iran, Pp. 1-17.
- Kolahi, M. (2021). Natural Resources Stakeholders. *Journal of Water and Sustainable Development*, 8(1), 19-30 (in Persian).
- Kronenburg García, A. (2017). Exploring the 'layeredness' of recurring natural resource conflicts: Therole of Loita Maasai leadership in the Naimina Enkiyio Forest conflictsin Kenya. *Land Use Policy*, 65, 66-77.
- Mahmoodi, J., Mirbozorgi, S.A., Heidari, Gh., & Rayati, M. (2012). Indicators affecting the grazing management project in Mazandaran summer rangelands from the perspective of natural resources experts. *Natural Ecosystem of Iran*, 2(3), 49-59 (in Persian).
- Mazaheri, M., & Khaksar Astaneh, H. (2009). The effect of range management projects on pastures efficiency (a case study in Khorasan razavi). *Agriculture Economics and Development*, 23(2), 12-20 (in Persian).
- Mondher, F., Aymen, F., Boubaker, D., Mariem, S., & Mongi, S. (2021). Prospects for stakeholder cooperation in effective imple-mentation of enhanced rangeland restoration techniques in southern Tunisia. *Rangeland Ecology and Management*, 74(1), 9-20.
- Mirdeilami, S.Z., & Sepehri, A. (2013). Review and analysis of laws used in rangeland management in Iran. Proceedings of the 1st National Conference on Natural Resource Management, Gonbad Kavoo, Iran, 156-171 (in Persian).
- Roudgarmi, P., & Amouzadeh Mahdiraji, M.T. (2019). Review of State laws and regulations on forests and rangelands. *Land Management*, 6(2), 153-167 (in Persian).
- SeyedAkhlaghi, S.J., Ansari, N., & Kalafi, S.Y. (2012). Investigation of socio-economic factors on natural resources degradation of Ardabil Province from the viewpoint of utilizers and experts. *Rangeland and Desert Research*, 19 (1), 133-148 (in Persian).
- Struwig, F., & Stead, G.B. (2001). Planning, designing and reporting research. Pearson Education South Africa, 279 pages.
- Tatar, M. Papzan, A.H., & Ahmadvand, M. (2018). Agricultural water conflict management in gawshan basin: solutions based on cooperation strategy. *Iran Agricultural Extension and Education Journal*, 14 (1), 91-111 (in Persian).
- Vesco, P., Dasgupta, S., De Cian, E., & Carraro, C. (2020). Natural resources and conflict: A meta-analysis of the empirical literature. *Ecological Economics*, 172, 1-15.
- Yousefi, A., Amini, A.M., Fathi, O., & Yadegari, A. (2016). Farmers' and authorities' attitudes towards the water conflict resolution methods in Zayandeh-rud river. *Water and Soil Science*, 20 (76), 143-159 (in Persian).